

خبر

دربی درگذشت خواهرامام موسی صدر صورت گرفت

تسلیت جهانگیری به محمد خاتمی

● **شرق:** منصوره صدر (صادقی)، خواهر امام موسی صدر و مادر همسر سیدمحمد خاتمی سه‌شنبه‌شب به دلیل کِهولت سن در تهران درگذشت. سیدمحمدرضا خاتمی در گفت‌وگو با ایرنا عنوان کرد: اگرچه ایشان از مدت‌ها قبل مبتلا به بیماری‌های مزمن بود؛ اما سه‌شنبه‌شب بر اثر کِهولت سن در تهران درگذشت. در پی درگذشت خانم منصوره صدر، معان‌اول رئیس‌جمهور، در پیامی به حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی، درگذشت مادر همسر او را تسلیت گفت. در پیام اسحاق جهانگیری آمده است: حضرت حجت‌الاسلاموالمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی، درگذشت بانوی پرهیزکار و صبور سرکار خانم سیده منصوره صدر مادر همسر گرامی‌تان و خواهر ارجمند عالم مجاهد و روحانی روشن‌ضمیر و روشن‌بین امام موسی صدر موجب تأسف و تأثر گردید. مصیبت فقدان این بانوی مؤمنه و وارسته را به جناب‌عالی و خانواده محترم‌تان و سایر بستگان گران‌قدر صمیمانه تسلیت می‌گویم و از خداوند بزرگ برای آن فقیده سعیده غفران و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان محترم صبر و اجر مسئلت دارم. همچنین وزیر امور خارجه در پیامی این ضایعه را تسلیت گفت.

رئیس قوه قضائیه:

ترامپ اولین جنایتکار پرونده ترور شهید سلیمانی است

● **مرکز رسانه قوه قضائیه:** رئیس قوه قضائیه در جلسه پیکیری حقوقی و قضائی پرونده ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس و همراهانش گفت: ترامپ اولین جنایتکار پرونده ترور شهید سلیمانی است که در مقابل مردم دنیا به جنایتش اعتراف کرد. سیدابراهیم رئیسی افزود: شهادت سردار سلیمانی موضوعی است که نه داغ آن و نه مطالبه مردم برای خون‌خواهی او و مجازات و کیفر آمران و عاملان این جنایت هرگز به سسردی نمی‌گراید. سردار سلیمانی نماد مبارزه با تروریسم و شخصیتی امنیت‌ساز برای منطقه است که کیفرخواست برای مجازات مجرمانی که در ترور او نقش داشتند، تنها دعوی حقوقی خانواده آن شهید یا ملت ایران نیست؛ بلکه ادعائنامه امت اسلام و آزادگان عالم علیه تروریسم دولتی آمریکاست.

سیدحسن خمینی:

نمی‌توان به‌بخشی ازوصیت‌نامه‌امام مؤمن بود و به‌قسمتی کافر

● **جمران:**حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی در دیدار با مدیران گزینش کل شهرداری تهران گفت: روایتی از امام باقر (ع) وجود دارد که ایشان می‌فرماید «وقتی پدرم داشت از دنیا می‌رفت، سر من را بر سینه‌اش گذاشت و گفت مراقب باش به کسی که غیر خدا حکم حال ندارد، ظلم نکن». همین مطلب درباره سیدالشهدا هم مطرح است. حضرت اباعبدهالله الحسین «سلام‌الله علیه» در روز عاشورا و موقعی که همه اصحاب و یاران به شهادت رسیده بوده‌اند، به امام سجاد وصیت می‌کنند «ای فرزندم، از ظلم به کسی که در برابر تو، هیچ باری‌کننده‌ای به جز خداوند ندارد، برحذر باش». این وصیت دو امام معصوم است. وصیت یکپدیه فکر و جان و روح یک فرد است. مثل وصیت‌نامه‌امام که البته من درباره آن سخن نخواهم گفت؛ نمی‌توان به بخشی از آن مؤمن باشیم و به قسمتی از آن کافر. یادگار امام با تأکید بر اینکه نباید در جامعه اسلامی نفرت‌پراکنی کنیم، افزود: امروز نباید دست‌هایی جامعه اسلامی را به تفریق و تشتت بکشاند. باید مراقب فیلان و صوت و سن خود باشیم. نباید از هیچ زبانی، نه زبان هنر و نه زبان‌های دیگر برای ایجاد دشمنی استفاده کرد. همه باید مراقب باشیم به دیگران دشنام ندهیم و سخن نرم بگوییم.

شرق: کمیسیون تلفیق لایحه بودجه ۱۴۰۰، سه‌شنبه بعد از کش‌وفوس‌های زیاد بالاخره آخرین بودجه دولت حسن روحانی را تصویب کرد. هرچند این لایحه با اصلاحاتی مواجه شده و رئیس‌جمهور نیز در نامه‌ای به قالیباف درخواست تغییراتی را داده است؛ بااین‌حال او روز گذشته در جلسه هیئت دولت از کلیات بودجه سال بعد دفاع کرد.

باید نفت بفروشیم

به گزارش ایسنا، روحانی با انتقاد از دوقطبی‌های کاذبی که بعضی‌ها در جامعه ایجاد می‌کنند، گفت: «واقعاً این دوقطبی‌ها ناصحیح‌اند. یکی می‌گوید که خوب است نفت را کم بفروشیم و یکی دیگر می‌گوید زیاد بفروشیم. یکی می‌گوید بودجه‌مان نباید به نفت متکی باشد و یکی حرف دیگری می‌زند. انسان واقعاً دچار حیرت می‌شود که چرا راجع به مسئله به این سادگی بحث می‌شود. ما اولاً باید نفتمان را تولید و ثانیاً باید در حاکثر ممکن صادر کنیم؛ چراکه این حق ماست. می‌گویید به‌جای اینکه حق‌مان را پس بگیریم،

آن را پس بگیریم. من اگر یک لحظه بتوانیم زودتر حق‌مان را پس بگیریم، تردید نمی‌کنم و همین امروز این کار را می‌کنم».

او ادامه داد: «عده‌ای می‌گویند نباید پول نفت را در بودجه خرج کنیم. این حرف درست است اما از لغت آن باید صحیح استفاده کنیم. حتی‌الامکان نباید از آن را در بودجه جاری مصرف کنیم. ولی نفت را باید استخراج کنیم و بفروشیم و بیاوریم سرمایه‌گذاری کنیم».روحانی با تأکید بر اینکه ما حتماً باید نفت بفروشیم، عنوان کرد: «مگر در این موضوع تردید داریم که باید نفت بفروشیم. اگر این پول قرار است به بودجه عمرانی و توسعه‌ای و توانمندسازی برود، بله و اگر قرار است برای بودجه جاری باشد، نخیر». او گفت: «بحث‌هایی مطرح می‌شود که دولت در پایان راه است و می‌خواهد سال آخر نفت زیادی بفروشد. اصلاً اینکه کار خوبی است و باید بگوید بیشتر بفروشید؛ چراکه این تودهنی به آمریکاست. دولت می‌گوید می‌توانم و مجلس باید بگوید باریکلا. آقای دولت تو می‌گویی



واکنش محمد هاشمی‌رفسنجانی به سخنان اخیر حجت‌الاسلام سعیدی در گفت‌وگو با «شرق»

آیت‌الله هاشمی در سال ۸۸ در پی تعامل ملی بود



سرانجامی ندارد و مردم آقای هاشمی را عمیقاً دوست دارند.

۴ گفته شده است دولت کارگزاران -منظور دو دولت مرحوم هاشمی- زمینه سکولاریسم در کشور را فراهم کرد. با چه متر و معیاری آقای هاشمی را سکولار می‌نامند؟

اصلاً وارد بحث نباید شد؛ زیرا کسانی که می‌گویند هاشمی و دولتش می‌خواست سکولاریسم را در کشور حاکم کند، اصلاً معنای سکولاریسم را نمی‌دانند. اصلاً نمی‌دانند معنای سکولاریسم، تکنوکراسی، لیبرالیسم یا حتی اسلام علوی چیست و هرکدام از اینها به چه شرایطی اطلاق می‌شود. رفتار آقای هاشمی با مسئولان نظام همواره مبتنی بر اسلام علوی بوده است. حالا از این دوستان بپرسید معنی دقیق اسلام علوی چیست و چه خصوصیتی دارد، نمی‌دانند. یک چیزی شنیده‌اند و برای تخریب آقای هاشمی هرچه می‌توانند می‌گویند.

۴ آخر وقتی آقای هاشمی به‌شدت مورد اعتماد امام بود با آنکه همواره ارتباط بسیار عمیقی با رهبری داشت، چطور می‌شود که خواستار جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) بوده باشد؟
حتماً اتهام مخالفان آقای هاشمی با گزاره درستی که شما مطرح کردید، جمع نمی‌شود. آقای هاشمی همواره مورد وثوق‌ترین ره‌بر رهاث انقلاب بود تاحدی که ایشان گفتند هیچ‌کس برای من مثل هاشمی نمی‌شود. آقای هاشمی هم گفتند که من عاشق رهبری هستم. این دو شخصیت حتماً با هم اختلاف‌نظرهایی داشتند اما نظرهایشان در فضایی صمیمانه مطرح می‌شد. آقای هاشمی یک‌بار به رهبری گفته بود که شما حتی نادید که حرف من را قبول کنید اما من حجت دارم که در نهایت حرف شما را بپذیرم زیرا شما ولی فقیه هستید و من شرعاً باید از شما اطاعت کنم. بله ما هم قبول داریم میان این دو اختلاف‌نظر وجود داشت اما مهم آن بود که همه این اختلاف‌ها در فضای تفاهم و تعامل مطرح می‌شد. رهبر انقلاب در پیام تسلیتی که به مناسبت رحلت آقای هاشمی نوشتند، به‌صراحت گفتند: «موسسه خناسانی که در سال‌های اخیر با شدت و جدیت در پی بهره‌برداری از این تفاوت‌های نظری بودند، نتوانست در محبت شخصی عمیق او نسبت به این حقیر خلل وارد آورد». این سخن نشان می‌دهد خط آقای هاشمی تا پایان عمر از خط رهبری جدا نبود. آقای هاشمی در زمان امام هم بسیار مورد توجه حضرت امام قرار داشت و امام بسیاری از مسئولیت‌های مهم را به آقای هاشمی می‌سپرد. حال من از اتهام‌زدنگانی می‌پرسم چطور می‌شود یک نفر هم مورد اعتماد کامل امام باشد و هم نزدیک‌ترین یار رهبری باشد و درعین‌حال خواستار برقراری سکولاریسم در دولت و کشور باشد؟ این تناقض‌گویی‌ها میسر



احمد کریمی اصفهانی مدعی شد

ادامه شکاف پسااحمدی‌نژادی اصولگرایان

مختلفی‌ی را در جریان اصولگرایی ایجاد کرد. او درباره اختلاف بین شورای وحدت با محوریت جامعه روحانیت و شورای ائتلاف با محوریت جدادعادل گفته است:
دفعه قبلی (انتخابات مجلس) هم جامعه روحانیت به تعبیری خودش با پس کشید؛ به‌صورتی‌که شایعه‌هایی در جامعه به‌عنوان پدرسالاری و.. مطرح شد و دیگری هم آمدند که در بزرگی و شیخوخیتی که داشتند، ضابطه را فدای رابطه کردند. به‌جای اینکه ضابطه حاکم شد، رابطه حاکم شد و مشکلات زیادی برای تشک‌ل‌ها و جناح‌های مختلف به وجود آمد که با آن ضعیفی که دفعه قبل به‌خصوص در انتخابات مجلس به وجود آمد، یکی، دو شب قبل از انتخابات، همه سازوکارها به هم ریخت و رابطه جایگزین ضابطه شد و یک دلخوری برای اکثر افراد به وجود آمد. او با اشاره به اینکه جامعه روحانیت این بار گفته قصد ندارد دنبالرو باشد، گفته است: به نظر می‌رسد جامعه روحانیت با عزمی وارد میدان شده و مصمم است تقریباً کارها را دنبال کند. با توجه به این مسئله هم در فراخوانی که به بخش احزاب داده شد، حدود ۲۷ حزب از دعوت جامعه روحانیت مبارز استقبال کردند و پای کار آمدند. همه اصولگرایان هم اعلام کردند محوریت جامعه روحانیت مبارز را می‌پذیرند؛ منتها با سازوکار مشخصی که در همان جلسه با حضور احزاب و جامعه روحانیت تنظیم شد که طبق آن هر هشت حزب بتوانند یک نماینده داشته باشند که یک نماینده باید



سیاست

رئیس‌جمهور گفت فروش نفت تودهنی به آمریکاست

روحانی: دولت می‌گوید می‌توانم، مجلس باید بگوید باریکلا

آمریکا کردند؛ چراکه ملت آمریکا هم شناختند که این فرد لیاقت قدرت را ندارد و به رقیب او رأی دادند. من مطمئنم بعد از ترامپ شرایط بسیار بهتری برای ثبات و امنیت کل منطقه به وجود خواهد آمد». او گفت: «ملت ما از خون سردارشان دست نمی‌کشند و این حق مردم عزیز ماست که برای خون عزیزشان انتقام بگیرند. ترور سلیمانی انتقام از جمهوری اسلامی، ملت‌های منطقه و استقلال کشورهای منطقه بود. این انتقام از ملت‌های بزرگی بود که مقابل توطئه آمریکا و صهیونیست‌ها ایستادند؛ چراکه آنها نمی‌خواستند موضوع داعش این‌گونه تمام شود و می‌خواستند داعش حکومت منطقه را در دست بگیرد». رئیس‌جمهور با بیان اینکه شهید سلیمانی به‌معنای واقعی کلمه معتدل بود، عنوان کرد: «او نه در خط آیین و نه در خط آن بود. نه راست بود و نه چپ و هیچ جناحی نمی‌توانست او را متعلق به خود باند. شهید سلیمانی یک افتخار ملی است و یک افتخار برای ملت ایران، ملت‌های منطقه و مسلمان‌های انقلابی است».



واکنش محمد هاشمی‌رفسنجانی به سخنان اخیر حجت‌الاسلام سعیدی در گفت‌وگو با «شرق»

آیت‌الله هاشمی در سال ۸۸ در پی تعامل ملی بود

نمی‌شود، مگر با نیت تخریب یک چهره ملی و اسلامی.

۴ انتقادهای بسیاری به دولت آقای هاشمی هم وارد می‌کنند.

بله اما واقعیت را که نمی‌توانند انکار کنند. آقای هاشمی توانست در دولت سازندگی در منطقه تنش‌زدایی را به‌جای تنش‌زایی حاکم کند. در هشت‌سال جنگ همه دنیا علیه ما بودند. ارتش عراق از روسیه، آمریکا و انگلیس تغذیه می‌شد و حتی دولت‌های عرب منطقه هم از عراق حمایت می‌کردند. آقای هاشمی بعد از جنگ توانست روابط ایران با دنیا را تغییر دهد و مشخصاً دیدیم که ایران در دوره دولت او چه ارتباط حسنه‌ای با عربستان داشت. بله اگر بناسد که ایران با دنیا بجنگد، سیاست این دوستان خوب است و پیش ببرند اما اگر قرار است سازندگی در پرتو تعامل سازنده با جهان شکل بگیرد و مردم آرامش را تجربه کنند، باید به سیاست‌های آقای هاشمی بازگردیم. علاوه بر این چه کسی می‌تواند سازندگی خرابی‌های جنگ در دو دولت آقای هاشمی را انکار کند؟ هر فردی که ادعا می‌کند دولت آقای هاشمی مثبت نبود، معیار دقیق ذکر کند و در غیر این صورت خلاف واقع می‌گوید.

۴ مخالفان آقای هاشمی به نقش او در حوادث سال ۸۸ اشاره می‌کنند. آقای هاشمی در آن مقطع چه هدفی را دنبال می‌کرد؟
آقای هاشمی می‌گفت مسائلی که در پی انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۸ به وجود آمده است، باید در فضایی آرام حل شود. او می‌گفت به‌هرحال با همین آماری که اعلام شد، رأی‌دهندگان به آقای موسوی ۱۳ میلیون نفر هستند که تعداد کمی نیستند و نباید با آنها به‌صورت قهری و برخورد امنیتی مواجه شد. آنها باید جذب انقلاب شوند و درست نیست که بر تشی که ایجاد شده دامن زده شود. او قائل به ایجاد یک تعامل ملی بود.

۴ منتقدان آقای هاشمی همواره ادعا کرده‌اند که سبک زندگی او اشرافی بوده است. شما برای جنگ خرابی‌های هاشمی بوده‌اید بنابراین می‌دانید او چگونه زندگی می‌کرد. آیا زیست او به شیوه اشراف بود؟
منزل آقای هاشمی اکنون به خانه‌موزه تبدیل شده است و همه مردم می‌توانند بروند و خانه آن مرحوم را ببینند. آقای هاشمی همیشه رفتاری بسیار متواضع داشت و در لباس پوشیدن و غذاخوردن مانند همه مردم بود. او همیشه می‌گفت من تظاهر نمی‌کنم و زهدفروش نیستم که در خلوت کار دیگری انجام دهم و به مردم طور دیگری معرفی شوم. آقای هاشمی باور داشت که ظاهر و باطن یکی باشد و خودش هم همین‌طور بود. او همیشه ساده‌زیست بود اما هیچ‌وقت اهل ادعاهای پوپولیستی نبود و به‌هیچ‌وجه تظاهر نمی‌کرد. شما نگاه کنید کسانی که زمانی در قدرت بودند، بعد از دوران مسئولیت‌شان برای خود حوزه علمیه علم کردند یا شکل زندگی خاصی برای خود ایجاد کردند. آقای هاشمی بعد از دوران مسئولیتش برای خود هیچ جمع کرد؟ اما او باور داشت که همه مردم باید در رفاه زندگی کنند. حالا اتهام‌زدنگانی می‌گویند که او می‌خواست اشرافی‌گری را ترویج دهد، درصورتی‌که آقای هاشمی باور داشت که باید مطابق اصل سوم قانون اساسی همه مردم از حداقل رفاه برخوردار باشند.

۴ در پایان برای مقابله با چنین اتهام‌زنی‌هایی چه باید کرد؟

باید شبهه‌زدایی کرد. مانند همین‌کاری که اکنون شما انجام دادید. اکنون اصلاح‌طلبان و اعتدالی‌ها امکانات خوبی در کشور دارند و این‌طور هم نیست که اصلاح‌طلبان در عرصه سیاسی به‌طورکامل کنار گذاشته شده باشند. اکنون همه آنها و هرکسی که راه و منش آقای هاشمی را قبول دارد، باید بکوشد که افکار آن مرحوم را توسعه دهد و در برابر اتهامات ناروا بایستد.

ادامه از صفحه اول

سیاوش در قتلگاه

سیاوش اگرچه فروگذازدن آیین‌ها را نامردمی می‌پنداشت، لکن به سبب پافشاری مرد سختدان تسلیم شد و از پذیره رفتن خودداری کرد.گرسیز چون به سیاوشگرد وارد شد، شاهزاده جوان ایرانی که نسبت به رفتار او بدگمان شده بود، در برابر کاخ خود پذیرای او شد و گرسیزوز، سیاوش را به تیرنگ در آغوش گرفت. سیاوش جوابی حال شهریار ن‌توان شد که او از دادن پاسخ طفره رفت و سپس پیام شاه توران را داد که افراسیاب خواهان دیدار اوست. سیاوش بسیار شادمان شد و گفت به شوق دیدار افراسیاب از هیچ زنجی آزرد نمی‌شود و از هم‌اکنون آماده دیدار اوست.سیاوش با گرسیزوز سه روزی در این گلشن بماند تا رفح خستگی کند و غبار از چهره و پای بزداید و سپس با یکدیگر به نزد افراسیاب روند.گرسیزوز از همان لحظه حرکت به سوی سیاوشگرد تنها به یک نکته می‌اندیشید و آن اینکه هرگز پای سیاوش به درگاه افراسیاب نرسد، به همین روی سخن به‌گونه‌ای دیگر کرد و چون اشتیاق سیاوش به دیدار افراسیاب را بدید، چهره درهم کشید و آب از دیده فروریخت که: «من دوست و دوستدار تو هستم و صلاح نیست به نزد افراسیاب بروی که سودای کشتن تو را دارد و من خود را به این‌جا رسانده‌ام تا تو را در امنیت نگاه دارم». سیاوش در پاسخ گفت: «اندیشه بد به دل راه ندهد که جهان‌آفرین، یار من است و پیران مرا نوید داده که با آمدنم به توران، شب سیاه مرا روز سپید کند و شهریار توران نیز اگر از من رنجیده‌خاطر بود، این‌گونه سر مرا به ابرها نمی‌رساند». گرسیزوز در پاسخ گفت: «تو او را این‌گونه نبین که اگر سپهر گردون چین بر جبین اندازد، با خرد توان آن کره کشود و اگر تو را ااماد خود کرد، می‌خواست دمی بگذارد و دیگر اینکه تو را با ساختن گنگ‌دژ و سیاوشگرد دلگرم کند؛ مگر ندیدی با برادر خویش، اغریث چه کرد. من بر خود دانستم آنچه می‌دانم بگویم تا تو را در امنیت قرار دهم». سیاوش بهت‌زده به گرسیزوز نگریست، چشمانش دو جوی خون بود، گفت بهتر آن است به نزد شاه آمده، چرای رنجش او را جویا شود. گرسیزوز به نرمی گفت: «من می‌کوشم نزد افراسیاب پایمردی کنم و او را آرام گردانم و زمانی که آسوده‌خاطر از فرونشستن خشم او شدم، سواری تیرنگ به نزد تو فرستم که اکنون گاه دیدار با شاه است».سرانجام سیاوش پذیرفت که گرسیزوز نزد افراسیاب خواهنگری کند و به تشویق آن رشک‌ورز نابه‌کار، دبیری فراخوانده شد و نامه‌ای پر از ستایش برای شاه نوشت و از دیدار شاه یبوش خواست به سبب گران‌شدن فرنگیس که پیوسته از درد گرانی و بارداری می‌نالید.گرسیزوز کین‌ورز، نامه از سیاوش بگیرفت و شش‌تای خود را به افراسیاب رساند. شهریار توران از وی پرسید چرا این‌گونه شش‌تاب بازگشته است، در پاسخ گفت: «روزگار بد را شایسته نیست به آهستگی درنوردیدن، سیاوش دیگر به هیچ‌کس نگاه هم نمی‌کند، نه مرا پذیرا شد و نه اندیشه دیدار شاه را دارد و حتی نیم‌نگاهی هم به نامه شهریار جهان نیفکند و مرا پیش خشت به زانو نشاند. پیوسته از ایران نامه می‌آید و سپاهی از روم و چین بیامون او را گرفته‌اند و روز باشد که برخوردش و اگر کوتاهی کنی، اوست که بر تو بتازد و دو کشور به چنگ آورد».افراسیاب با این سخن، داستان‌های کهن در خاطرش زنده شد و از خشم پاسخ نداد. سپس فرمان داد تا سپاه آماده شود به سرکوبی گردن‌فراخی سیاوش.از دیگرسوی سیاوش بر از درد به نزد فرنگیس بازگشت که شهریار توران بی‌سبب بر من خشم گرفته. فرنگیس چنگ در کیسو افکند و چهره ارغوانی خویش را به ناخن بخراشید و گفت: «راه بازگشت به ایران نداری، روم هم دور است، بهتر است به چین پناهبری» و سرانجام با این سخن سیاوش را آرام کرد.دندانم به‌زودی گرسیزوز هیونی می‌فرستد با این پیام که شاه، آرام و رام شده است.چهار شب از بازگشت گرسیزوز گذشت، سیاوش خوابی هولناک بدید، بلرزید و خوشی برآورد. فرنگیس او را در آغوش کشیده، کوشید او را آرام گرداند و پرسید چه خوابی دیده است، سیاوش گفت: «در ورطه‌ای هولناک بودم، در یک سویم رودی بیکران و در سوی دیگرم، کوه آتش بود، سیاوشگرد در آتش می‌سوخت و افراسیاب با چهره‌ای دژم بر این آتش می‌دید و می‌دانستم که این آتش را گرسیزوز برپا داشته».سیاوش نیمه‌شبان سپاه را بخواند و خود را آماده دفاع کرد و طلایه سپاه را فرستاد تا بررسی کنند و گزارش دادند که افراسیاب با سپاهی گران به سیاوشگرد نزدیک می‌شود و از سوی گرسیزوز سواری پیامد که سیاوش اندیشه جان کند. فرنگیس به سیاوش گفت نگران او نباشد، با اسبی تیزنگ از اینجا دور شود. ولی سیاوش رشته امید از زندگی را بریده می‌دید و گفت که سرانجام خدای بستر او خواهد شد.سیاوش، اسب خویش، به‌زاد را بیاورد و با او به نجوا سخن گفت که تنها خواهد شد. سپس همراه با سپاهش راه ایران را در پیش گرفت و نیم‌فرسنگی بیش پیش نرفته بود که سپاه افراسیاب راه بر او پرست. سیاوش به افراسیاب گفت: «ای شهریار جهان چرا با سپاه به دیدار من آمده‌ای و بی‌گناه می‌خواهی مرا بکشی؟». در این هنگام گرسیزوز بدش‌ترس گفت: «اگر سودای جنگ نمی‌داشته‌ای، چرا با زره به دیدار شاه شاتفته‌ای؟» و آن‌گاه بود که سیاوش دانست همه تیرنگ‌ها از گرسیزوز بوده.

ادامه در صفحه ۴